

پژوهش، انضباط فکری، هویت علمی

محمد کریمی

فرایند آموزش در حوزه‌های علمیه از چنان وسعتی برخوردار است که کشف هویت علمی حتی بعد از صرف سال‌ها آموزش فقه و اصول برای طلاب سخت می‌نمایاند. طلبه، علوم مختلفی را در مدت بیش از ده سال فرا می‌گیرد: ادبیات، منطق، فقه، اصول، کلام، فلسفه، رجال، درایه، تفسیر و حتی عرفان؛ اینها نشان از گستردگی قابل توجه دوره آموزش است. در نگاه اول گویا می‌توان نخ تسبیح این علوم را نشان داد و با تبیین غایی، جهت هر یک را به سوی یک علم خاص توضیح داد. به این صورت که دروس ادبیات، منطق، رجال و درایه را در طول فقه اسلامی گنجانده و ترتیبی برای رسیدن به غایتی تصویر کرد. همین روند نسبت به علوم دیگر مانند تفسیر قابل اجرا است. به این معنا که تمام دروس مذکور به همراه فقه را در طول تفسیر دانست. اما با اندک تأملی روشن می‌شود که اولاً این تقسیم‌بندی‌ها همیشه واضح نیست و ثانیاً طول زمان آموزش هر کدام و حد نصاب آموزش هر یک برای رسیدن به علم غایی چندان روشن نیست. ملاک کفایت آموزش در میان اساتید، مختلف است، علاوه بر این، که هر یک از علوم پیش‌گفته، خود مبانی و غایات منحصر به فردی دارند و می‌توانند به مثابه یک تخصص جداگانه در نظر گرفته شوند. فی‌المثل مبانی علم اصول و علم فقه، خود، مباحث گسترده و فراوانی دارند که توجه اندیشوران حوزوی و غیر حوزوی را بیش از گذشته به خود جلب کرده؛ به نحوی که فلسفه اصول و فلسفه فقه و یا حتی فلسفه معرفت دینی، به تدریج در مباحث مختلف حوزوی به عنوان یک تخصص مطرح می‌شود. از این رو، گویا حد کفایت علوم نیز راهی است تخصصی؛ در نتیجه، به روشنی و شفافیت، قابل توصیه به طلاب نیست. طلبه بعد از گذران چندین سال با گستردگی عجیبی مواجه می‌شود. حتی برخی از طلاب با وجود اتمام دروس سطح، چندان نتوانسته‌اند دامنه علاقه، توانمندی و هویت علمی خود را در میان رشته‌های گوناگون حوزوی بیابند. راه حل‌های آموزشی و یا تربیتی، هر چه بوده، اگرچه خالی از تأثیر نیست، ولی نتوانسته نیاز به کشف هویت علمی را در میان طلاب به نحو مطلوبی پاسخ دهد. در این میان، نگاه پژوهشی به علوم حوزوی، نقش موثرتری را ایفا می‌کند. فعالیت پژوهشی که یک فرایند نظام‌مند است، خود شامل ملزومات و مقومات متعددی از جمله نویسندگی، مسأله‌شناسی، مسأله‌یابی، منبع‌شناسی، فرضیه‌سازی، استناد دهی دقیق به آراء مختلف در قالب فیش‌برداری، تحلیل و بررسی و نقد آراء است؛ همین فرایند، ابزار بسیار مهمی برای انضباط فکری و کشف هویت علمی طلاب خواهد بود. پژوهش، مهارت می‌طلبد و داده‌های مرحله آموزش را طبقه‌بندی می‌کند؛ در نتیجه، به طالب دانش، انضباط فکری می‌دهد. طلاب با درگیر شدن با موضوعات جزئی، و آراء و منابع مختلف، فرایند تفکر را به صورت عینی، خارجی و آگاهانه تمرین می‌کنند و پژوهش چیزی جز همین فرایند عینی تفکر نیست. خودآگاهی ناشی از این تمرین عملی، به تدریج توانمندی و نقاط ضعف طلاب و میزان پذیرش و واژنش درونی آن‌ها به موضوعات مختلف را روشن می‌سازد. همین فرایند، موجب انضباط فکری و کشف هویت علمی طلاب خواهد بود. مع‌الاسف در حوزه برادران، اساساً هیچ سازوکار جدی در دوره سطح برای ساختارسازی و جهت‌دهی پژوهشی طلاب وجود ندارد. این نقیصه در حوزه خواهران به نحو مطلوبی جبران شده است و حوزه خواهران با وجود چنین ساختار و نقشه‌ای، طبعاً آینده بهتری از حوزه برادران خواهد داشت. اکنون تنها روزنه جدی راهیابی موفق طلاب به امر پژوهش، برگزاری جشنواره‌هایی از جنس جشنواره علامه حلی است که خوشبختانه برای پنجمین دوره، راه تکاملی خود را طی کرده است. طلاب محترم با رقابت در این سطح، انگیزه مضاعفی در انجام دقیق مراحل پژوهشی می‌یابند و در نهایت، تلاش علمی خود را در معرض نقد داوران قرار می‌دهند. در این میان، پذیرش آراء نقادانه داوران، خود، مهارت نقدپذیری و اصلاح اندیشه را برای طلاب فراهم می‌کند و طلاب در سطوح مختلف آماده اندیشه‌ورزی جدی‌تر در مراحل بعدی می‌شوند. از این جهت، جشنواره با ایجاد فرصت‌های پژوهشی، فرایند کشف هویت علمی طلاب را تسریع می‌بخشد که می‌طلبد بیش از گذشته مورد توجه مسئولین قرار بگیرد.